

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده حقوق، گروه حقوق جزا و جرم شناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق (M.A.)

گرایش: حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

مبانی کیفری پیوند و اهدای اعضای بدن انسان

از دیدگاه فقهی و قوانین موضوعه

استاد راهنما:

دکتر بهروز گلپایگانی

پژوهشگر:

مهشید زمانی

زمستان ۱۳۹۵

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم شاید جبران کوشه ای از زحمات بی دریغشان باشد.

تشکر و قدردانی:

باز هم مرایاری کن تا خود را به هدنمایم در قله های موفقیت برسانم و قدر دان و سپاس گوی زحمات استادان
و تمامی کسانی که در این راه مرا کمک نموده اند باشم و دوست بدارم و سپاس گوی انسانهایی را که با شرافت خود
چراغ انسانیت و دانش و آگاهی را شعله ور نگه داشته اند، باشم.

پروردگارا

برای تمام نعمت بی اتمتیت سپاس، سپاس، سپاس

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب مهشید زمانی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپوسته به شماره دانشجویی ۹۳۰۲۷۲۹۶۳ در رشته حقوق که در تاریخ ۱۵/۱۰/۹۵ از پایان نامه خود تحت عنوان: مبانی کیفری پیوند و اهدای اعضای بدن انسان از دیدگاه فقهی و قوانین موضوعه با کسب نمره ۱۸ و درجه بسیار خوب دفاع نموده‌ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه‌های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده‌ام.

۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی‌ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی :

تاریخ و امضاء



معاونت پژوهش و فناوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بایاری از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، مادانشجویان و اعضاء هیات علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تعهلی کلینیم:

- ۱- اصل برانت: التزام به برانت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آلائند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و محافظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به بکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نهد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل تحقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.

بسمه تعالی

در تاریخ: ۹۵/۱۰/۱۵

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم مهشید زمانی از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۸ بحروف هجده و با درجه بسیار خوب مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما:

بسمه تعالی
دانشکده حقوق

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۸۰۵۹۴۲۰۲۳
عنوان پایان نامه: مبانی کیفری پیوند و اهدای اعضای بدن انسان از دیدگاه فقهی و قوانین موضوعه		
نام و نام خانوادگی دانشجو: مهشید زمانی	تاریخ شروع پایان نامه: ۹۴/۱۲/۱۲	تاریخ اتمام پایان نامه: ۹۵/۱۰/۱۵
شماره دانشجویی: ۹۳۰۲۷۲۹۶۳	رشته تحصیلی: حقوق جزا و جرم شناسی	
استاد / استادان راهنما: دکتر بهروز گلپایگانی		
استاد/استادان مشاور:		
آدرس و شماره تلفن:		
چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده): با پیشرفت علوم، پیوند اعضا به عنوان یکی از دستاوردهای نوین علم پزشکی وارد عرصه جامعه شد. پیوند اعضا نیز مانند همه ی علوم جدید در کنار مزیت ها، چالش هایی را نیز برای افراد جامعه به وجود آورد. در این راستا قانون گذار برای حمایت متقابل از حقوق اعضای جامعه، قوانین و مقرراتی وضع کرده است. در این مقاله پژوهشگر به بررسی انواع پیوند اعم از پیوند اشیاء به انسان، پیوند اعضای حیوانات به انسان ها و در نهایت پیوند اعضا از انسان به انسان که آن هم خود به دو طریق است یا پیوند از انسان زنده به زنده است و یا از انسان مرده به زنده است پرداخته، که در این پژوهش در هر مورد به طور مفصل بحث شده است و به نظر فقها در این زمینه پرداخته و همچنین به پیوند عضو قطع شده در حدود و قصاص پرداخته است چه پیوند عضو جانی چه مجنی علیه که در زمانی که به عنوان مثال دست یک فرد را به علت حد یا اجرای قصاص قطع می کنند آیا بعد از اجرای قصاص و حد فرد محکوم مجاز به پیوند دوباره آن عضو می باشد. از دیگر مباحثی که به آن پرداخته شده جایگزین کردن پیوند اعضا به جای دار آویختگی در فرد محکوم به اعدام است به این معنا که به جای اینکه جان فرد محکوم به اعدام را با دارآویختگی از آن بگیریم فرد را به اتاق عمل برده، بیهوش کنیم و اعضای بدن آن را به نیازمندان اهدا کنیم که در این پژوهش به همه ی ابعاد فقهی و قانونی آن پرداخته شده است. و اینکه پیوند اعضا در کنار فواید و مزایایی که دارد و با توجه به اینکه خود یک فرآیند قانونی است اما باعث به وجود آمدن جرائمی می شود که که پژوهشگر در این مقاله به آن پرداخته است و سرانجام توجه به این نکته که مبنای حقوقی پیوند اعضا چیست؟ واژگان کلیدی: پیوند اعضا، مرگ مغزی، قصاص، حد، اعدام.		

مناسب است

تاریخ و امضاء:

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه

مناسب نیست

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	پیشینه تحقیق
۴	اشکال ها و موانع تحقیق
۵	بیان مساله تحقیق
۶	اهمیت موضوع تحقیق و دلایل انتخاب آن
۶	اهداف تحقیق
۷	سوال های پژوهش
۷	فرضیه های پژوهش
۷	چهارچوب نظری تحقیق
۸	بخش اول: مفاهیم، تئوری ها و نظریه های مربوط به پیوند اعضا
۱۰	فصل اول: تاریخچه و مفاهیم
۱۰	مبحث اول: پیشینه تاریخی پیوند اعضا
۱۱	گفتار اول: تاریخچه پیوند اعضا در ایران
۱۳	گفتار دوم: پیوند اعضا از نظر بین المللی
۱۳	گفتار سوم: سابقه برداشت عضو
۱۶	مبحث دوم: مفاهیم
۱۶	گفتار اول: تعریف مرگ مغزی و معیار های تشخیص آن
۱۶	بند اول: تعریف مرگ مغزی
۱۸	بند دوم: معیار تشخیص مرگ مغزی
۲۲	گفتار دوم: پیوند از نظر پزشک
۲۳	فصل دوم: ارتباط روح با بدن انسان
۲۳	مبحث اول: ارتباط روح با بدن از نظر دانشمندان
۲۳	گفتار اول: عقیده افلاطون
۲۳	گفتار دوم: عقیده ازسطو
۲۵	گفتار سوم: عقیده دانشمندان مشهور اسلام
۲۵	مبحث دوم: ارتباط روح با بدن انسان از نظر حکما و پزشکان
۲۶	گفتار اول: ارتباط روح با بدن انسان از نظر حکما
۲۶	گفتار دوم: ارتباط روح با بدن انسان از نظر پزشکان
۲۷	گفتار سوم: نظریه جدا شدن روح از بدن با مرگ مغزی
۲۸	گفتار چهارم: محل نزاع بین فقها و پزشکان در مورد ارتباط روح با بدن

۲۹	فصل سوم: مرگ مغزی
۳۰	مبحث اول: تفاوت های مرگ مغزی و مرگ طبیعی
۳۰	گفتار اول: تفاوت مرگ مغزی و اغماء
۳۱	گفتار دوم: تفاوت مرگ طبیعی و مرگ مغزی
۳۲	گفتار سوم: دلیل پزشکان موافق و مخالف وجود تفاوت
۳۴	مبحث دوم: مراحل مرگ مغزی
۳۵	گفتار اول: مراحل مرگ مغزی
۳۷	گفتار دوم: مرگ مغزی در قوانین موضوعه
۴۰	فصل چهارم: انواع پیوند و موافقان و مخالفان آن از نظر فقهی
۴۰	مبحث اول: اقسام پیوند
۴۰	گفتار اول: پیوند اشیاء خارجی
۴۲	گفتار دوم: پیوند اعضای حیوانات به انسان
۴۴	گفتار سوم: پیوند اعضای انسان به انسان
۴۴	مبحث دوم: انواع پیوند از انسان زنده به زنده
۴۴	گفتار اول: پیوند عضو از انسان زنده به خودش
۵۴	گفتار دوم: پیوند عضو از انسان زنده به انسان زنده دیگری
۵۴	بند اول: برداشت اعضای اصلی از مهدور الدم
۵۸	بند دوم: برداشت اعضای اصلی از محقون الدم
۶۱	بند سوم: برداشت اعضای غیر رئیسه
۶۲	مبحث سوم: پیوند اعضا از انسان مرده به انسان زنده
۶۳	گفتار اول: ادله ی مخالفان برداشت عضو از مبتلابان به مرگ مغزی
۶۳	بند اول: حرمت انتفاع از میت
۶۶	بند دوم: نداشتن منفعت حلال
۶۷	بند سوم: هتک حرمت میت مسلمان
۶۷	بند چهارم: حرمت منله کردن
۶۸	گفتار دوم: ادله ی جواز برداشت عضو از مبتلا به مرگ مغزی
۶۸	بند اول: آیه شریفه
۶۹	بند دوم: روایات
۷۰	بند سوم: قاعده ی حکومت و قاعده ی تراحم
۷۱	گفتار سوم: نقد و بررسی ادله
۷۴	بخش دوم: مبانی کیفری پیوند اعضا از دیدگاه فقهی و قوانین موضوعه
۷۶	فصل اول: بحث حکمی پیوند اعضا در فقه و حقوق کیفری

۷۶	مبحث اول: علم و شک در حیات و مرگ
۷۶	گفتار اول : علم به حیات
۷۷	گفتار دوم : علم به مرگ
۷۸	گفتار سوم : شک در حیات و مرگ
۷۹	بند اول: استصحاب موضوعی
۷۹	بند دوم: وجوب صبر در دفن برخی از مردگان
۷۹	بند سوم: وجوب حفظ نفس محترم
۷۹	مبحث دوم : حکم فقهی قطع عضو از بدن شخص مبتلا به مرگ مغزی
۸۱	گفتار اول : ادله حرمت قطع اعضای مرده
۸۲	گفتار دوم : جواز قطع عضو از جسد مردگان مغزی در فقه
۸۲	گفتار سوم: نظر قائلین به جواز قطع عضو از جسد
۸۴	فصل دوم: ماهیت حقوقی اهدای عضو و جنبه های کیفری آن
۸۴	مبحث اول: قوانین و رویکردهای مربوط به پیوند اعضا
۸۴	گفتار اول : قوانین پیوند اعضاء در ایران
۸۵	گفتار دوم: پیوند اعضا فرد اعدامی
۸۹	گفتار سوم: رضایت طرفین
۹۰	گفتار چهارم : وصیت فرد مبتلا به مرگ مغزی
۹۰	گفتار پنجم : رضایت اولیای قانونی
۹۱	مبحث دوم : رویکرد قانون به پیوند عضو
۹۱	گفتار اول : رویکرد قانون اساسی نسبت به پیوند اعضا
۹۲	گفتار دوم: رویکرد قانون مجازات اسلامی نسبت به پیوند اعضا
۹۳	فصل سوم: شرایط پیوند عضو
۹۳	مبحث اول: شرایط پیوند عضو در قوانین موضوعه
۹۳	گفتار اول : جرم زایی پیوند اعضا
۹۷	گفتار دوم : مبنای حقوقی اهدا و پیوند اعضای بدن
۱۰۳	مبحث دوم: ماهیت وصیت و تاثیر آن در بحث واگذاری اعضا در قوانین ایران
۱۰۳	گفتار اول : تملیک اعضا به وسیله متوفا
۱۰۴	بند اول : تعهد به واگذاری اعضا بعد از مرگ و طرح ایرادها
۱۰۵	بند دوم : پاسخگویی به ایرادهای واگذاری اعضا بعد از مرگ
۱۰۵	بند سوم : ضرورت یا عدم ضرورت موافقت ولیّ میت در انتقال اعضا در حقوق داخلی ایران
۱۰۹	گفتار دوم: احکام و فتاوی فقهی درباره پیوند اعضا
۱۰۹	بند اول: امام خمینی (قدس سره)

- ۱۱۰ بند دوم : حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
- ۱۱۱ بند سوم : آیت‌الله گلپایگانی
- ۱۱۲ بند چهارم : آیت‌الله مکارم شیرازی
- ۱۱۳ بند پنجم : آیت‌الله فاضل لنکرانی
- ۱۱۴ بند ششم : آیت‌الله حسن‌زاده آملی
- ۱۱۴ بند هفتم : آیت‌الله بهجت
- ۱۱۵ فصل چهارم: احکام قصاص جراحت و قطع اعضاء
- ۱۱۵ مبحث اول: کیفیت و احکام قصاص جراحت و قطع اعضاء
- ۱۱۶ گفتار اول: شرایط پیوند اعضا بعد از قصاص
- ۱۱۶ گفتار دوم: حکم پیوند پس از قطع شدن عضو
- ۱۱۸ مبحث دوم: تاثیر پیوند عضو قطع شده بر حکم قصاص
- ۱۱۸ گفتار اول: عضو قطع شده ، چه اثری بر حکم قصاص دارد؟
- ۱۱۹ گفتار دوم: حکم برگرداندن عضو قطع شده بعد از قصاص به حالت اول
- ۱۲۵ نتیجه گیری
- ۱۲۸ پیشنهادات
- ۱۳۰ منابع و مآخذ
- ۱۳۰ منابع فارسی

مقدمه

پیوند اعضا یکی از مسائل رایج در دنیای متمدن و پیشرفته امروزی و از مقولات مطرح و جالب در امور پزشکی است که با گذشت زمان بر اهمیت آن افزوده می شود انجام اعمال جراحی پیوند اعضا به عنوان یکی از آخرین راه های درمان در خصوص بیماران خاص می باشد که در برخی از بیماریها تنها راه رهایی بیمار از مرگ یا درد و رنج طاقت فرسا می باشد. از طرف دیگر مرگ مغزی و پیوند اعضا از موضوعات نو پیدای فقهی است که از یک سو نیازمند تبیین دقیق موضوع از دیدگاه پزشکی و علوم زیستی و از سوی دیگر، نیازمند استنباط حکم فقهی متناسب با مقتضیات زمان است. بنابراین مسئله پیوند و اهدا اعضا در عالم فقه و حقوق مسئله ای بسیار مهم و در خور توجه است، خصوصا در فقه این مسئله با حساسیت زیادی مطرح گردیده است و از آنجا که این عمل به تمامیت جسمانی افراد مرتبط است و در احکام شرع مقدس به انسان و تمامیت جسمانی او به عنوان اشرف مخلوقات و خلیفه الله اهمیت ویژه داده می شود، بنابراین ابتدا در این بخش به بررسی تئوری ها و مفاهیم می پردازیم.

پیشینه تحقیق

الف) ایزدی، زهرا، ۱۳۹۴، در این پژوهش به بررسی فقهی و حقوقی پیوند و خرید و فروش اعضای بدن انسان پرداخته است که به شرح زیر است:

از جمله مسائل مستحدثه و مورد ابتلای جامعه، پیوند اعضا می باشد که امروزه با پیشرفت دانش پزشکی در زمینه پیوند اعضا بازار خرید و فروش اعضای بدن نیز رونق شتابنده ای یافته است. از آن جایی که نجات جان بیماران نیازمند و رهایی آنان از درد و رنج، راه درمانی جز پیوند زدن ندارند. این موضوع از اهمیت ویژه ای برخوردار است و با توجه به ابتلای فراوان جامعه به موضوع پیوند اعضا و خرید و فروش آن، آگاهی عموم مردم با احکام و شرایط آن ضروری است. در این پژوهش که از روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته ضمن بررسی و تبیین دیدگاه فقها و حقوقدانان نسبت به

این مسأله، به مبانی فقهی پیوند اعضا و خرید و فروش آن و موارد اشتراک آن با حقوق پرداخته شده که پیوند اعضا نقش انکار ناپذیر در نجات جان انسانها و بازگرداندن سلامت به آنها دارد به دست آمده است و از نظر شرعی در حالتی که حیات فرد و یا بهبودی وی از یک مرض مهلک و خطرناک، متوقف بر پیوند اعضا باشد جایز، بلکه واجب است.

ب) پورجوهری، علی، ۱۳۷۹، در این پژوهش به بررسی فقهی پیوند اعضا (از منظر احکام تکلیفی) پرداخته است که به شرح زیر می باشد:

از نظر شرع مقدس اسلام، اگرچه اصل مسأله پیوند اعضا با هدف نجات جان انسانها و درمان بیماریهای صعب العلاج، امری جایز و حتی واجب دانسته شده است. اما از آنجا که اولاً، پیوند عضو به شخص نیازمند، مستلزم برداشت عضو از بدن افراد زنده و مرده و تصرف در تمامیت جسمانی آنها می باشد و ثانیاً، از جهت شرعی، احکام خاص در این رابطه نظر حرمت اضرار به نفس و حرمت جداسازی اعضا میت و... وجود دارد، لذا ضروری است که وضعیت برداشت عضو از بدن فرد زنده و متوفی و شخص دچار مرگ مغزی از جهت حکم تکلیفی جواز و عدم جواز آن، مورد بررسی قرار بگیرد. جهت تحقق این هدف، لازم است که نظر فقها نسبت به سه مسأله زیر، تبیین شود: اول- مسأله حق تصرف انسان در اعضا و جوارح خود دوم - مسأله ادله جواز و عدم جواز برداشت عضو از بدن فرد زنده و متوفی سوم - مسأله مرگ کامل و مرگ مغزی در این رابطه توجه به مباحثی نظیر سلطه انسان نسبت به بدن خویش، اهداف برداشت عضو و پیوند اعضا، اضطراب، حیات مستقر و غیرمستقر می تواند راهگشا باشد. همچنین مسأله حیات غیرمستقر در فقه و احکام آن را، می توان به عنوان یک مجوز شرعی مناسب جهت برداشت عضو از بیمار دچار مرگ مغزی مطرح نمود.

ج) صادقی، محمدرضا، ۱۳۸۲، به بررسی حقوقی اهداء و پیوند عضو در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی پرداخته است که به شرح زیر می باشد:

در بررسی حقوقی موضوع پیوند عضو، چند سوال به شرح ذیل مطرح است: ۱- رابطه انسان با اعضای خویش و همچنین رابطه میت با اولیاء چه نوع رابطه ای است؟ از نوع رابطه مالک و ملک

است یا رابطه ای دیگر؟ ۲- آیا اعضای بدن انسان « مال » محسوب می شود؟ ۳- نوع و ماهیت حقوقی اهدای عضو چیست؟ آیا بیع است؟ یا جعاله یا عمل حقوقی دیگر؟ ۴- آیا در قوانین موضوعه فعلی، قانونی مبنی بر جواز اهدای عضو وجود دارد یا خیر؟ علم حقوق سوالات مطروحه را بدین گونه پاسخ می دهد که: چون ضابطه « فایده و منفعت حلال داشتن » ملاک نیست و همچنین با عنایت به کرامت، شان، عظمت و منزلت انسان، نمی توان اعضای بدن انسان را مال محسوب کرد و فروش اعضای بدن انسان جایز نیست، (علیرغم آنکه انسان اختیار بدن خود از جمله اهداء به شرط عدم اذلال نفس را داراست) و طبعاً مقررات عقد بیع به لحاظ فقد عنوان مالیت در مورد آن جاری نیست، چرا که اگر جاری بود اولاً: متعهد له، عقد بیعی، که موضوع آن تعهد به اهدای عضو، باشد، در صورت امتناع تعهد باید بتواند مطابق ماده ۳۶۲ قانون مدنی الزام وی را از دادگاه بنخواهد و ثانیاً: به لحاظ لزوم برقراری تعادل اقتصادی میان عوضین در عقد بیع مغبون چون عقده بیعی باید بتواند عقد را فسخ کند و از طرفی چون برای اعضای بدن انسان در جامعه نرخ ثابتی وجود ندارد قطعاً خیار غبن هم در مورد انتقال عضو جاری نیست. بعد از اثبات عدم امکان اطلاق عنوان بیع بر ماهیت این عمل باید بررسی نمود که آیا این اقدام در قالب عقد هبه (معوض) قابل تصور است؟ در پاسخ باید اشارت نمود که قالب عقد جعاله قابل توجیه خواهد بود. این در حالی است که اگر عضو بدن انسان مال محسوب می نمودیم. به موجب ماده ۷۹۵ و ۸۰۱ از قانون مدنی، انتقال عضو، در قالب عقد هبه مجانی یا معوض قابل توجیه بود، به هر حال مزیت توجیه انتقال عضو در قالب عقد جعاله آن است که اولاً: مجبور نخواهیم بود عنوان مال را بر عضو بدن انسان تحمیل نمائیم. ثانیاً: پاداشی که جاعل به عامل می پردازد، چیزی جز پاسخگویی به احسان فرد عامل نخواهد بود و بسیار اتفاق می افتد که در آگهی روزنامه ها، مشاهده می کنیم که در قبال اهدای گروه خونی یا یک کلیه پاداش پرداخت خواهد شد. در پاسخ به سوال اخیر که مطرح شده باید گفت: در سال ۱۳۷۵ هیات محترم وزرا، تصویب نمود تا دولت به هر کسی که کلیه خود را اهدا می کند، مبلغ ده میلیون ریال به عنوان « هدیه ایثار » پرداخت کند. و همچنین در سال ۱۳۷۹، قانون پیوند اعضای

بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است، توسط مجلس شورای اسلامی ایران به تصویب رسید که این اقدام را به شرط وصیت بیماریا موافقت ولی میت (در پیوند از جسد)، جهت پیوند به بیمارانی که ادامه حیاتشان به پیوند عضو بستگی دارد، مجاز دانسته است و امروزه انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی ایران در این خصوص اقدام شایان توجهی می نماید. در پایان شایان ذکر است که در این نوشتار موضوع پیوند اعضا در ایران با اکثر کشورهای جهان مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است.

اشکال ها و موانع تحقیق

آمار رضایت خانواده های ایرانی در زمینه اهدای عضو در سال ۸۴، حدود ۵ درصد بود. یعنی از هر ۱۰۰ خانواده ۵ خانواده رضایت می دادند. البته این آمار بسیار پایین به دلیل کمبود امکانات و تکنولوژی و روحیه ایثارگری در مردم ما نبوده بلکه دلیل اصلی ضعف فرهنگ سازی بوده است. یعنی برای اینکه مردم نوع دوستی خود را بروز دهند باید فرهنگ اعتمادسازی در آنها نهادینه گردد و موضوع مرگ مغزی در اذهان مردم به درستی تبیین شود. دکتر قبادی تاکید کرد: مردم باید بدانند که فرد مرگ مغزی تا ۱۴ روز بیشتر زنده نمی ماند. ضمن اینکه مرگ مغزی با کما تفاوت های فراوان دارد. مشکل دیگر نحوه برخورد هماهنگ کننده هاست چراکه آنها پس از مرگ مغزی با خانواده فرد صحبت می کنند و آنها را متقاعد می نمایند که این فرد به راستی فوت شده و اعضای بدنش چند روز بیشتر قابل استفاده نیست و خانواده ها را به اهدای عضو عزیزشان راهنمایی می کنند. از آنجا که ضرورت این آموزش ها بسیار مهم بود به تازگی دوره های آموزشی را توسط استادانی که از برزیل و اسپانیا آمده بودند بر گزار کردیم که چه طور خبر مرگ مغزی را به خانواده فرد اطلاع دهند. متأسفانه برخی پزشکان به علت نداشتن اطلاعات کافی از مرگ مغزی، این بیماران را به بیمارستان های پیوند منتقل نمی کنند و بیمار نیز طی چند روز فوت می کند. به همین خاطر و برای رفع این مشکل در حال حاضر فرد مرگ مغزی در بیمارستان مبدا شناسایی می شود و رضایت از خانواده اش توسط هماهنگ کننده گرفته می شود. سپس برای تایید نهایی مرگ مغزی و اهدای عضو چهار

پزشک از جمله: جراح مغزو اعصاب، پزشک معتمد بهداشت، پزشک داخلی اعضاء، و پزشک بیهوشی و داخلی، بیمار را دوباره معاینه می کنند و بعد از اعلام مرگ مغزی یک نفر پزشک قانونی نیز مرگ مغزی را تأیید می کند. بعد از آن با رضایت خانواده، اهدای عضو صورت می گیرد.

بیان مساله تحقیق

پدیده پیوند اعضا از افراد زنده و یا افرادی که دچار مرگ مغزی شده اند به دیگران از موضوعات نوین پزشکی است که در برخی از کشورها همچنان مورد تردید یا ممنوعیت های قانونی و اقع شده است. تصور اینکه شخص دارنده عضو بتواند عضوی را که به بدن وی چسبیده از بدن خود جدا کند و به دیگری انتقال دهد بسیار کم است ولی امکان دارد. و اگر کسی چنین کاری کند باید دید که عمل وی از نظر کیفی چه حکمی دارد؟ و باید بررسی شود آیا قانون مجازات این عمل را جرم انگاری کرده است. از طرفی انقلابی که تحقیقات و اکتشافات نوین پزشکی در قرن بیستم در زمینه علوم پزشکی به وجود آورد و در کنار فواید و مزیت ها، جامعه را با چالش ها و مشکلات به خصوصی نیز مواجه کرد. اهدای اعضا و پیوند اعضا به عنوان رهاوردی نوین در کنار حیات بخشیدن به جان هزاران انسان، اسباب جرایم گوناگونی از جمله: قتل، سرقت، آدم ربایی برای اعضا و مهمتر از همه قاچاق اعضا را در جوامع انسانی سبب شد.

مسأله اهدای عضو و پیوند اعضا علاوه بر اینکه یکی از مسائل قابل بررسی و تحلیل در عالم پزشکی است در عالم فقه هم مسأله ای بسیار مهم و در خور توجه است، خصوصا در فقه با حساسیت زیادی مطرح گردیده است و از آنجا که این عمل به تمامیت جسمانی افراد مرتبط است و در احکام و شرع مقدس به انسان و تمامیت جسمانی او به عنوان اشرف مخلوقات و خلیفه الله اهمیت ویژه داده می شود بنابراین اولین سوالی که در فقه با آن مواجه هستیم این است که عمل پیوند عضو، عمل مشروع است یا نامشروع؟ که فقها جدید در این خصوص اختلاف نظر دارند. در این پژوهش مباحث حول چند محور می گردد: اول اهدای اعضا و پیوند اعضا و مرگ مغزی از نظر پزشکی مورد بررسی قرار می گیرد سپس به مبنای کیفی آن پرداخته می شود و بعد نظر فقها در این مورد بررسی

می شود و رویکرد بین المللی در این مورد و در آخر پاسخ به این سوال که مبنای کیفری و فقهی پیوند و اهدای اعضا چیست ؟

اهمیت موضوع تحقیق و دلایل انتخاب آن

اهمیت این موضوع از این جهت است که پدیده‌ی پیوند و اهدای اعضا علاوه بر اینکه پدیده‌ای انسانی است و موجب حیات بخشیدن به افراد زیادی می شود اما با چالش های کیفری زیادی هم مواجه هست و با برخی از احکام و قواعد فقهی هم تعارض دارد که باید رفع تعارض شود و از طرفی اگر از نظر فقهی و حقوقی رابطه‌ی بین انسان و اعضای بدن او مشخص گردد شاید بتوان از پیوند و اهدای اعضا در موارد دیگری از آن استفاده کرد. مانند: اهدای اعضای محکوم به اعدام به جای دار زدن او یا پیوند عضو قصاص شده فرد پس از قصاص.

ضرورت انتخاب این موضوع هم از آن جهت است که سابقه‌ی پژوهشی نادری در این مورد وجود دارد.

اهداف تحقیق

- ۱) بررسی مبنای کیفری پیوند و اهدای اعضا
- ۲) بررسی فقهی پیوند و اهدای اعضا
- ۳) بررسی جرم زایی در مورد پیوند و اهدای اعضا
- ۴) بررسی موارد پیوند و اهدای اعضا

سوال های پژوهش

- ۱- آیا می توان اعضای بدن فرد محکوم به اعدام و قصاص نفس را اهدا کرد؟
- ۲- اهدای اعضای فرد مرگ مغزی شده و فرد دارای حیات مستقر از نظر کیفری و فقهی چه تفاوتی دارد؟
- ۳- پیوند عضو قصاص شده در قصاص اعضا پس از قصاص چه حکمی دارد؟

فرضیه های پژوهش

- ۱) به نظر می رسد می توان اعضای بدن فرد محکوم به اعدام و قصاص را اهداء کرد.
- ۲) شاید بتوان گفت اهدای اعضای فرد مرگ مغزی شده و فرد دارای حیات مستقر از نظر کیفری و فقهی امکان پذیر است.
- ۳) به نظر می رسد پیوند عضو قصاص شده پس از قصاص عضو امکان پذیر است.

چهارچوب نظری تحقیق

این پژوهش با عنوان مبانی کیفری پیوند و اهدای اعضای بدن انسان از دیدگاه فقهی و قوانین موضوعه در دو بخش انجام شده که بخش اول به نظریه ها و مفاهیم پرداخته، به این صورت که از آنجا که مسائله پیوند یک مسئله فقهی است نیازمند بیان نظریه ها موافق و مخالف از دیدگاه فقهی می باشد و از طرفی نیازمند تعریف یک سری مفاهیم مرتبط با مسائله پیوند است مانند تعریف مرگ مغزی. که به این مسائل در بخش اول که خود به چهار فصل تقسیم شده پرداخته شده است. و در بخش دوم به مسائل کاربردی پیوند اعضا مانند پیوند اعضای فردی که اعضای بدن او به علت اجرای قصاص قطع شده است و یا مانند پیوند اعضای فرد اعدامی. این بخش نیز ذیل چهار فصل به مسایل حقوقی و کاربردی پیوند اعضا پرداخته است.

بخش اول:

مفاهیم، تئوری ها و نظریه های مربوط

به پیوند اعضا